

خبردرگذشتدو هنرمند بزرگ موسیقی نواحی ایران در هفته گذشته- پهلوان رسول بخش زنگشاهی نوازنده ساز قیچک وعیسی رستمی افین نوازنده دوتار خراسانی- ودرگذشت استاد(محمد امین رسولی) مشهور به «ققه مبینه نلاس» از استادان پیشگسوت موسیقی مقامی آذربایجان غربی در سددشت بار دیگر زنگ خطر جدی برای موسیقی اقوام را به صدا درآورد. استادان و پیشگسوتانی که حافظ میراث گر تقدیر و فرهنگ ایران زمین هستند و امروز بسیاری از آنها در قید حیات نیستند و یک به یک در رنج وبیماری و تنگدستی واز همه ناگوار تر در فراموشی از میان ما بر کشیدند و رفتند بی آنکه هنر و فرهنگ ناوختن ساز ما بایشان یا آواز و مقام هالی که سال های سال و نسل در نسل با خود به همراه داشته اند ثبت و ضبط گردد. برخی از این هنرمندان که سن و سالی از آنها گذشته تنها حرفه شان موسیقی و نوازندگی و خوانندگی است و تعدادی از این هنرمندان نیز منبع درآمد اندکی از تندهای مختلف دولتی چون صندوق اعتباری هنر یا مؤسسه هنرمندان پیشگسوت دریافت می کنند که به گفته خودشان، کفاف متخارج امروز را نمی دهد خصوصاً اکنون که بیماری کرونا همین اجراهای معدود و انگشت شمار موسیقی نواحی را هم تعطیل کرده است.

محمد رضا درویشی از چهره های نام آشنای موسیقی، بویژه موسیقی اقوام ایران است. این پژوهشگر و آهنگساز سال های بسیاری است که زندگی خود را صرف شناسایی، معرفی و حفظ موسیقی نواحی کرده و در این باره آثار بسیار به تألیف درآورده است. آثار او در جهت شناخت آداب و رسوم و آیین های موسیقی اقوام مختلف ایران بوده و در تحقیقات و پژوهش های وسیع تر نیز گترین دایره المعارف سازهای ایران را به تألیف درآورده است. درویشی بینگذاذر جشنواره موسیقی نواحی است، جشنواره ای که فرصت و عرصه ای برای هنر نمایی بزرگان موسیقی اقوام بوده و هست. درویشی بر این نظر است تنهاره نجات موسیقی نواحی همین نسل نو ظهور و با استعداد است، نسلی که امروز در جشنواره های مختلف حضور پیدا کرده و هنر نمایی می کنند البته همچنان نگران آینده این موسیقی است مگر آنکه حمایتی از سوی مسئولان صورت بگیرد. گفت و گو با محمدرضا درویشی را در ادامه می خوانید:

محمد رضا درویشی پژوهشگر و آهنگساز از دغدغه های هنرمندان موسیقی نواحی ایران در شرایط امروز بحران و ویروس کرونا می گوید

نسل جوان ناجی موسیقی نواحی است

■ در روزها و ماه های گذشته که بیماری کرونا شیوع پیدا کرده است، بخشی از کسب و کارها نیمه تعطیل شده اند و شرایط سختی در جامعه و در کل دنیا ایجاد شده است که البته در این بین حوزه فرهنگ و هنر و بویژه موسیقی از این اتفاقات تلخ بی نصیب نمانده است. به خصوص هنرمندان موسیقی نواحی که آسیب بیشتر و جدی تری را متحمل شده اند. با توجه به تجربه و شناخت چندین سال شمانسیت به این حوزه، چند آبییری برای بهتر شدن زندگی هنرمندان موسیقی نواحی باید اندیشیده شود؟

موسیقی اقوام تحت تأثیر همه شرایط مسلط در کشور است، به عنوان مثال بخش مهمی از جایگاه و اجرای این موسیقی در مراسم شادمانی و عروسی است اما از زمان شیوع این بیماری طبق دستور وزارت بهداشت تمامی این مراسم ها در کل کشور تعطیل شده و تا زمانی که شرایط کمی بهتر نشود اجازه برگزاری هیچ مراسم عروسی با عزا وجود ندارد بنابراین کار اجرا کنندگان موسیقی نواحی هم تعطیل است. این در حالی است که اجرا کنندگان این نوع موسیقی نسل در نسل شغل شان و راه امرار معاش شان همین خوانندگی و نوازندگی است نه به کار کشاورزی وارد هستند و نه دامداری و مشاغل دیگر و متأسفانه امروز می بینیم هنرمندان موسیقی نواحی که تعداد شان هم بسیار کثیر است از نان خوردن افتاده اند. به طور مثال با نگاه به تعداد شرکت کنندگان جشنواره امسال موسیقی ملی جوان که بنا به شرایط بوجود آمده به صورت مجازی در محل برگزاری است، خواهید دید چه تعداد هنرمند و نوازنده علاقه مند در حوزه موسیقی وجود دارد؛ زمانی که از آقای هومان اسعدی دبیر این جشنواره سؤال کردم شرکت کنندگان بخش موسیقی نواحی چه تعداد هستند پاسخ داد ۸۰۰ نفر؛ میزان تعداد شرکت کننده بر اساس شرط سنی تا حداکثر ۲۹ سال است اما با حذف شدن شرط سنی با اطمینان می گویم بیش از ۱۰۰۰ هزار نفر علاقه مند در این بخش وجود دارد که از راه خوانندگی و نوازندگی در عزا و عروسی های مردم کسب درآمد می کنند و روزگاری می گذراندند ولی امروز این بخش از درآمد زندگی هنرمندان موسیقی نواحی کسر شده است؛ هنرمندانی که حتی طی سال هم کمتر مورد توجه قرار می گیرند و البته برخی گروه ها در اجتماع بر این نظردند که این هنرمندان فعل حرام انجام می دهند. این مسائل فقط یک پلان از مشکلات موسیقی نواحی است.

پلان دوم این است که استادان پیشگسوت این حوزه که اکثریت سن بالایی داشتند فوت کرده اند و دیگر در بین ما نیستند، مانند رسول بخش زنگشاهی که ایضاً یگانندگان نسل قیچک نواز اهل سیستان و بلوچستان بود که هفته گذشته فوت کرد و امروز تنها یک تنمه میانی از آن دوران باقی مانده است که این عزیزان هم به مرحله پیری رسیده اند و توانایی چندانی ندارند. اما در این بین جوانانی هم دیده می شود که جوانه می زنند و رهرو راه گذشتگان هستند. باید بگویم موسیقی نواحی مانند رودخانه ای است که توقف ندارد و همیشه در جریان است ولی با شکل های متفاوت و با توجه به سلاقی روز و سلیقه شخصی خود هنرمندان یا تقاضا و میل مردم این موسیقی در حال تغییر و تحول است. این موضوع بدان معنا است که ساز دوتار هیچگاه محو و فراموش نمی شود و تنها شیوه نوازندگی آن تغییر می کند.

■ متوقف شدن فعالیت امروز هنرمندان موسیقی نواحی به خاطر حفظ سلامت آنها و مردم در مقابله با این بیماری است.

بله اما نوازندگان موسیقی نواحی روز به روز دچار آسیب های جدی تری می شوند.

■ این آسیب ها چیست؟

با توجه به فضای به وجود آمده، شرایط اجرای این هنرمندان محدودتر شده است و همچنان این نگرانی وجود دارد که جشنواره های موسیقی یک به یک تعطیل شوند. به طور مثال جشنواره ملی موسیقی جوان که در هر دوره با جوش و خروش روی صحنه اجرا می شد، امروز به دلیل رعایت پروتکل های بهداشتی و محدود کردن سفرها از شهری به شهری دیگر، به صورت اینترنتی و مجازی برگزار می شود که برای برخی از نوجوان های هنرمند جذابیتی ندارد. نکته دیگر اینکه بسیاری از شرکت کنندگان بخش موسیقی نواحی که در روستاهای دورافتاده زندگی می کنند دسترسی کمتری به اینترنت دارند و امکاناتشان ضعیف است ما حتی در خود شهر تهران هم که کلانشهر بزرگی است مشکل قطعی اینترنت داریم چه برسد به روستاهای دورافتاده و همین امر موجب می شود هنرمندان موسیقی نواحی شناسایی و معرفی نشوند و آسیب های جدی ببینند. اما در کنار این اتفاقات و مسائل امروز این هنرمندان جای امیدواری است ساز قیچک که در بلوچستان آسیب های جدی دیده بود در این دوره از جشنواره ملی موسیقی جوان با ۶ شرکت کننده کودک و نوجوان حاضر شد که ساز قیچک می نوازند و ما نیز در جهت تشویق، همه این شرکت کنندگان را قبول کردیم تا در جشنواره حضور داشته باشند اما با این اوصاف باز هم اطمینان دارم در گوشه و کنار کشور هستند نوجوانان و جوانان دیگری که به دلیل عدم امکانات و دسترسی به اینترنت فرصت شرکت در این جشنواره را از دست داده اند.

■ به هر حال در هر استانی انجمن های موسیقی و دفاتر ارشاد وجود دارد که نظارت بر این مسائل از وظایفشان است؟

بله اما آن طور که باید و شاید شناختی از موسیقی نواحی ندارند و نمی دانند فلان هنرمند در آن روستای دورافتاده که کسی است! انجمن های موسیقی شهرستان ها اغلب به شهرستان های مرکزی اشراف دارند نه به روستاهای اطراف. ■ اشاره کردید جشنواره ملی موسیقی جوان میزان شرکت کنندگان نوجوان و جوان مستعدی در موسیقی های مختلف بویژه موسیقی نواحی بوده و بی تردید همین نسل جوان می تواند ناجی و حافظ موسیقی اقوام باشند. سؤال این است آیا تنهاره ها شناسایی این هنرمندان جوان به جشنواره موسیقی جوان خلاصه می شود؟ تأکید من هم همین است که تنها نسل جوان می تواند موسیقی اقوام را از خطر فراموشی و نابودی نجات بدهد چرا که بسیاری از پیشگسوتان این حوزه فوت کرده اند یا در روزگار کهنسالی هستند بزرگانی که طلایه دار موسیقی اقوام بوده و هستند. اما برای ادامه این مسیر و حفظ این میراث بزرگ تنها راه آن حمایت دولت از این موسیقی است که دولت هم برای خود هزاران مشکل دارد. دولت باید ابتدا خود موسیقی را به رسمیت بشناسد و دوم رکن شاخص و مهم موسیقی کشور را که موسیقی نواحی و موسیقی اقوام است به رسمیت بشناسد اما تا زمانی که این همه گرفتاری و بدهکاری و مشکلات معیشتی مردم وجود دارد بعید می دانم نوبت به هنر و موسیقی نواحی برسد، در حال حاضر هم که دولت گرفتار تأمین معاش مردم در دوران کرونا است. جای تأسف است که هنر در این سال ها در ردیف دهم بودجه کشور قرار داشته این در حالی است که باید به موسیقی نواحی بودجه جداگانه اختصاص بدهند اما وقتی برایشان مهم نیست بودجه ای هم به آن تخصیص پیدا نمی کند.

پیگیر مشکلات هنرمندان موسیقی نواحی هستیم

تعدادی از هنرمندان ماهانه مبلغی را به عنوان مستمری از صندوق اعتباری هنر دریافت می کنند اما در کنار آن طرح تکريم هم وجود دارد که بیشتر هنرمندانی که در این طرح قرار داشتند مبلغ ۲۵ هزار تومان دریافت می کردند اما از دی ماه ۹۸ با پیگیری و دستور وزیر معتمد فرهنگ و ارشاد اسلامی رقم آن ۸۰۰ هزار تومان افزایش داده شد. طرح تکريم البته شناخته شده شخصی دارد و آیین نامه آن مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است و به افرادی تعلق می گیرد که بالای ۶۰ سال سن، ۳۵ سال سابقه هنری و دارای سبک خاص هنری باشند. حال در این بین چه تعداد هنرمند موسیقی نواحی وجود دارد که دارای سبک خاص هنری باشند؟ مشخصاً تعدادشان کم است اما شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران کشور به عنوان متولی طرح تکريم با مساعدت صندوق اعتباری هنر در راستای کمک به این هنرمندان تغییراتی در این طرح ایجاد کرده و برای هنرمندان حوزه موسیقی نواحی در مورد شرط دارا بودن سبک خاص هنری باتسامل بر خود می کند، به این صورت که هنرمندانی را که دارای گواهینامه در چه یک هنری باشند حاضر این شرط می داند. حالا ممکن است گفته شود برخی از هنرمندان موسیقی نواحی ایران هر سه شرط لازم را دارا هستند اما مبلغ ۸۰۰ هزار تومان طرح تکريم را دریافت نمی کنند دلیل آن این است که تعدادی از هنرمندان بزرگوار اقدام لازم برای طرح تکريم از جمله عضویت در صندوق اعتباری هنر را به انجام نرسانده اند. از ابتدای انقلاب اسلامی تا به امروز بیش از ۱۰۰۰۰ هنرمند کشور مان در مجموعه رشته های هنری دارای



سید محمد طایبایی
 دبیر شورای ارزشیابی هنرمندان کشور و مدیرعامل مؤسسه هنرمندان پیشگسوت

صندوق اعتباری هنر صورت

گرفته مؤسسه هنرمندان پیشگسوت که حدوداً ۱۰۰۰ هنرمند از رشته های گوناگون هنری عضو آن هستند در این مدت تمام تلاش های خود را برای بهبود شرایط هنرمندان انجام داده است. به طور مثال اواخر اسفند ماه و در پی هشت امسال یک کمک هزینه برای هنرمندان واریز شد و درصدد هستیم کمک هزینه دیگری را هم بزودی واریز کنیم.

علاوه بر این اگر مشکلاتی به لحاظ امرار معاش

■ پنجشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۹
 ■ سال بیست و هشتم
 ■ شماره ۷۴۰۷



فصلی مجازی

محمد رضا درویشی پژوهشگر و آهنگساز از دغدغه های هنرمندان موسیقی نواحی ایران در شرایط امروز بحران و ویروس کرونا می گوید

نسل جوان ناجی موسیقی نواحی است

■ علاوه بر حمایت های دولتی، خود هنرمندان این موسیقی چه کمکی می توانند داشته باشند تا این موسیقی آرام آرام فراموش نشود؟

هنرمندان موسیقی نواحی جیباشان خالی است به چه کسی می توانند کمک کنند و درخواست به چه کسی داشته باشند! این بنده خداها به امید خدا رها شده اند.

■ با این اوصاف سرنوشت موسیقی نواحی چه خواهد شد؟

نمی دانم ولی آینده خوبی نخواهد داشت، مگر اینکه نسل جوان در جشنواره های همچون جوان و نواحی تشویق بشوند و این موسیقی را نجات بدهند. امسال که جشنواره موسیقی جوان به صورت مجازی برگزار می شود حالا سال دیگر هم خدا بزرگ است.

■ وظیفه ساز زمان میراث فرهنگی در ثبت آواها و سازهای موسیقی نواحی چیست؟

میراث فرهنگی غالباً میراث ملموس یعنی ابنیه و بنا را به رسمیت می شناسد اما میراث فرهنگی تنها خشت و گل نیست، به عقیده من میراث فرهنگی وظیفه دارد بخش هایی از موسیقی نواحی ایران مانند سازها، ادبیات و موسیقی شان را در میراث غیر ملموس به ثبت جهانی برساند اما متأسفانه موضوع کاریشان چیز دیگری است.

■ تا به امروز سازی از موسیقی نواحی به ثبت ملی یا جهانی رسیده است؟ دقیقاً نمی دانم اما شنیده ام ساز تار به ثبت جهانی رسیده اما هیچ ساز یا مقامی از موسیقی نواحی ثبت میراث فرهنگی نشده است.

■ آیاتی این سال سازهای از سازهای موسیقی نواحی فراموش شده است؟ بله تعدادی از سازهای ما تا چند سال دیگر فراموش می شوند به طور مثال یک ساز دایره در استان کرمان است که ۱۰ ضلعی است که یکی دو سال دیگر اساساً فراموش می شود. همچنین ساز دیگری در کرمان وجود دارد به نام «جاریک» که به شکل یک قوطی بوده و داخل آن شن می ریختند این ساز هم تا یکی دو سال دیگر فراموش می شود. ساز دیگر جوغ نام دارد که جزو معدود سازهای سنگی دنیا است. این ساز یا پوستی که روی آن کشیده شده بود روی سر شتر یا اولین شتر کاروان می انداختند و می نواختند یعنی زمانی که کاروان ها در طوفان شن گیر می کردند، افراد مجبور به بستن سر و صورت خود می شدند لذا یک نفر که روی شتر به عنوان راه بلد می نشست، جوغ را به شتر می بست و روی آن می کردند، اما اکنون این ساز نوازنده و کاربردی ندارد و منقرض شده است. ناگفته نماند استان کرمان مرکز سازهای عجیب و غریب است که در جلد دوم کتاب دایره المعارف هم به آن اشاره کرده ام.

■ این سازهای منسوخ شده جمع آوری شده است؟ بله در موزه موسیقی ایران اکثریت این سازها وجود دارد و تمام این سازها را تهیه کردم و در آنجا نگهداری می شود حتی سازهایی که فراموش شده است. ■ در بحث تألیف و پژوهش چطورا؟ یا نسل امروز در این بخش فعالیت می کنند؟ بله در حال حاضر اکثریت جوانان از پژوهش های من استفاده می کنند که باز هم جای شکران باقی است البته جوان هایی هم هستند که در این زمینه فعالیت می کنند و در جریان کارهای این هستم.

یادداشت

برای هنرمندان موسیقی نواحی که عضو این مؤسسه هستند به وجود آید حتماً این موضوع را در مؤسسه پیگیری می کنیم و به صراحت می گویم تا به امروز هیچ یک از هنرمندان عضو مؤسسه در حوزه موسیقی نواحی نبوده است که مشکل خود را مطرح کرده باشد و درصدد رفع آن نباشیم و به نتیجه نرسیده باشد. این هنرمندان، میراث فرهنگ و هنر کشور مان هستند که باید از آنها محافظت شود و هنرشان ثبت و ضبط گردد تا برای نسل آینده و مهمتر از آن ارزش موسیقی ایران بماند مانند استاد رسول بخش زنگشاهی که چندی پیش فوت کرد اگرچه حمایت مادی خوبی از این هنرمند صورت گرفته بود اما از هنر ایشان آن طور که باید بهره برداری نشد و کارهای ایشان ثبت و ضبط نگردید و انتقال تجربه صورت نگرفت.



هنرمندان دست خالی در خانه های خود نشسته اند

محمد اسحاق بلوچ نسب

آهنگساز، خواننده و نوازنده پیشگسوت سیستان و بلوچستان

یادداشت

متأسفانه شیوع و ویروس کرونا در این چند ماه اخیر وحشی شاید در روزهای پیش رو موجب شده همه برنامه های هنری بویژه اجراهای موسیقی به تعطیلی کشیده شود و در این بین تدریس موسیقی و تعداد اندک جشنواره هایی هم که برگزار می شد متوقف شده است و هنرمندان دست خالی در خانه های خود نشسته اند. نه اجرای موسیقی برای گذراندن امرار معاش وجود دارد و نه کمک چندانی از سوی نهادهای مختلف فرهنگی و دولتی. البته وزارت ارشاد اعلام کرده بود هنرمندانی که در پی شیوع این بیماری خانه نشین شده اند و ضرر و زیان های مالی دیده اند کمک های مالی و حمایتی دریافت می کنند. بنابراین اعلام این خبر حدود دوماه گذشته از طریق مؤسسه هنرمندان پیشگسوت این موضوع را پیگیری کردیم و نامه نوشتیم اما تا به امروز پاسخی دریافت نشده است. دریافتی من از مؤسسه هنرمندان پیشگسوت ماهیانه ۷۰۰ هزار تومان است آن هم برای یک خانواده ۱۵ نفره با این تورم و بحران اقتصادی امروز. این میزان پول کفاف چه بخشی از زندگی ام را خواهد داد! کسی نمی داند و ویروس کرونا بعد از چند ماه، هفته و روز از بین خواهد رفت اما خورد و خوراک ما که ربطی به کرونا ندارد باید زندگی ما هنرمندان به طریقی اداره شود و حمایت شویم. با تعطیلی مراسم های عروسی و عزا که بخش مهمی از اجراهای ما هنرمندان در این مراسم ها بود و همچنین کلاس های آموزشی دیگر که دریافتی می توانیم داشته باشیم! آن هم هنرمندانی که نه کارمند هستند، نه کاسب، نه کارگر؛ چگونه زندگی کنند! حرفه من تنها خوانندگی است، آن زمان که جوان بودم شغلم خیاطی بود الان دیگر هیچ کاری نمی توانم انجام بدهم. هرگاه هم که این موضوع را با مسئولان مطرح می کنیم می گویند بودجه نداریم.

البته رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان چابهار آقای محمدی کمک و حمایت هایی داشته و تلاش کرده اند در این شرایط اجرای موسیقی برای ما برگزار کنند تا بتوانیم زندگی خود را بگذرانیم. بخش آموزش هم اوضاع بسیار بدی دارد، ۴-۵ نفر شاگرد در یک اتاق کوچک با ماسک کنار هم نشسته ایم و به سختی کار انجام می گیرد که همین تعداد معدود هم روز به روز کمتر می شوند.

امروز هم می بینیم که متأسفانه هنرمندان پیشگسوت موسیقی یک به یک فوت می کنند نمونه آن رسول بخش زنگشاهی بود که همین چند روز گذشته از بین ما رفت و آن روز در فضای مجازی نوشتم سلام و صد سلام می فرستم به مرده پرستان دنبایی که تا زمانی که هنرمندان زنده هستند ارزش یک نگرانی ندارند و زمانی که این هنرمندان فوت می کنند پیام های تسلیت فراوان ارسال می کنند. البته پسر آقای زنگشاهی هم نوشته بود ۱۰ روز پدرم در بیمارستان بستری بود اما یک نفر از مسئولان به عیادت و احوالپرسی او نیامد اما بعد از فوت او همه ابراز ناراحتی کردند. من ۷۸ سال سن دارم و جای تأسف است که باید بگویم تنها نام هنرمند است که برای آنها ارزشمند است برای هنر او هیچ ارزشی قائل نیستند و امروز که رسول بخش زنگشاهی فوت کرده به اسم او خیابان، مجسمه، بزرگداشت و دیگر تشکیلات انجام می گیرد اما این موضوع چه تأثیری بعد از مرگ او خواهد داشت! رسول بخش های بسیاری از بین ما رفته اند، هنرمندانی را که زنده هستند دریابید و برای آنها جایگزین پیدا کنید تا موسیقی نواحی و فرهنگ و هنر ایران از بین نرود. هرچند که این انتقادات و مشکلات تنها مختص به هنرمندان سیستان و بلوچستان نبوده بلکه شامل همه هنرمندان موسیقی اقوام در کشور است و از این مسأله رنج می برند. یک ضرب المثل بلوچی است که می گوید تا زمانی که زنده بود یک دانه خرما روی درخت به او ندادند وقتی که مُرد کل آن خرما را به گردنش می بندند.... تنها امیدوار و خوشحالم در شرایط امروز و همچم موسیقی های مختلف چون پ و پاپ ... همچنان موسیقی اقوام زنده است و نفس می کشد چرا که این موسیقی ریشه در فرهنگ و هنر کشور مان دارد. به طور مثال پیش از این تنها دو قیچک نواز بزرگ در بلوچستان بود استاد رسول بخش زنگشاهی و استاد محمد بلوچ معروف به «علیوک» اما امروز می بینیم فقط در یکی از روستاهای نزدیک به چابهار ۴-۵ قیچک نواز جوان علاقه مند، ساز می نوازند.



نگذارید فرهنگ گذشتگان فراموش شود

بخشی علیرضا سلیمانی

خواننده و نوازنده پیشگسوت دوتار خراسان

این روزها شیوع و ویروس کرونا همه مردم را خانه نشین کرده و شرایط سختی را می گذرانیم. من نیز از نوزیر به بعد هیچ اجرای موسیقی نداشته ام و درآمدی هم ندارم البته شغلم کشاورزی است و در کنار آن، همه خانواده به موسیقی هم می پردازیم، اما وقتی موسیقی در جریان نباشد آسیب می بیند. هرچند پیش از این هم موسیقی ما اوضاع خوبی نداشت و فعالیت ها کم بود و تنها هر کسی به اندازه توان خود تلاش می کرد آن را حفظ کند امروز هم که این اتفاقات در کل دنیا افتاده همه چیز تعطیل شده است. از نوزیر ۹۹ هم از سوی شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران عضو طرح تکريم هنرمندان قرار گرفته ام. در این طرح مبلغی نزدیک به ۸۰۰ هزار تومان دریافت می کنم که البته معتقدم این مبلغ در شان ما هنرمندان نیست...

من امروز در سن ۷۵ سالگی هشتم و توانایی آموزش دادن موسیقی را ندارم و تنها می توانم یک کمک کوچکی به جوانان داشته باشم. هرچند در این روزها همین آموزش ها هم به صورت مجازی شده است اگرچه معتقدم آموزش غیر حضوری چندان تأثیرگذار نیست و خاصیت موسیقی ما این است که سینه به سینه منتقل شود. بنابراین با شرایط حال حاضر میراث فرهنگی و وزارت ارشاد موظف هستند برای حفظ موسیقی اقوام ایران و همین تعداد استاد و پیشگسوت باقی مانده تلاش کنند تا این موسیقی از بین نرود و فراموش نشود چرا که همان طور که شاهد هستیم فرهنگ قدیم بخشی گری در حال نابودی است، اگرچه نسل جوان مشتاقانه دنبال می کنند اما نیاز

است این موسیقی ها ثبت و ضبط شوند. من فرزند خراج قربان سلیمانی هستم و آثار بسیار باارزشی از پدرم به یادگار مانده است که وزارت ارشاد باید کمک کند کتاب ها و آثار موسیقی ازین نرو. در این سال ها که در موسیقی فعالیت می کنم تلاش کردم مسیر پدرم را ادامه بدهم تا موسیقی گذشتگانم حفظ و باقی بماند. موسیقی مقامی برای یک روز یا صد سال نیست این موسیقی فرهنگ است که از گذشتگان تا به امروز برجای مانده است و اگر همین را هم حفظ نکنیم و از دست برود دیگر فاتحه این موسیقی خوانده است.

